

واکاوی شعر قیصر امین پور، پس از ۱۲ سال سکوت

قیصر، شاعر درد بود



افسانه فردان

اکنون ۱۲ سال از آبان ماه سال ۱۳۸۶ و آن «سه شنبه سنگین و بی‌حوصله» که قیصر امین پور برای همیشه دانشکده ادبیات را ترک کرد تا تنها در شعرهایش منتشر شود، می‌گذرد. ۱۲ سالی که به اندازه همان سه‌شنبه نامیوم، سنگین و در سکوت گذشت. قیصر امین پور دوره‌های مختلف زندگی شخصی و هنری و کاری‌اش را با نوسان‌های زیادی طی کرد و از این روی، موجب شد تا بسیاری از منتقدان و مخاطبان جدی شعر، او را گاه به این جناح و گاه به آن جناح متصل کنند. غافل از این که قیصر امین پور علاوه بر این که حق داشته است در دوره‌های مختلف فکری‌اش تصمیمی را بگیرد که به آن معتقد بوده است و از آن گذشته، باید به‌عنوان یک شاعر تأثیرگذار مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. نقد بر شعر یک شاعر باید به متن برگردد، نه موضع‌گیری یک منتقد نسبت به شاعر و هنرمند. اما افسوس که تندروی‌های گاه‌این‌سویه و گاه‌آن‌سویه از نگاه بی‌طرفانه و جدی نسبت شعر او جلوگیری کرده است و به همین دلیل بررسی شعر این شاعر با تمام محتویاتش و حتی نوع اندیشه و نگاهش مغفول باقی مانده است. بنابراین برای روشن شدن گوشه‌های از وضعیت شعر این دوره ضروری به نظر می‌رسد که بدون تعصب سکوت را بشکنیم و حرف زدن درباره شعر او را آغاز کنیم.

تعدادی متن ادبی رانیز به چاپ رسیده بود که از شهرت کمتری برخوردارند. همچنین قیصر به‌عنوان یکی از شاعران در عرصه شعر کودک و نوجوان نیز شناخته شده است که این بخش از شاعری او نیز در سایه شعرهای بزرگسالش اندکی مغفول باقی مانده است که در اثنای این متن به هر سه مورد اشاره‌هایی خواهد شد. قیصر امین پور در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۸ در خوزستان متولد شد و جنگ را از نزدیک‌ترین فاصله با گوشت و پوست و خونت لمس کرد، دکترای ادبیات گرفت و تا آخرین روز زندگی‌اش در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. دست‌خط‌اش هنوز روی تخته سیاه دانشگاه تهران بود که کلاس را با پارچه‌های سیاه پوشاندند. ۸ آبان ماه ۱۳۸۶ «حرف آخر عشق» به الفبای مرگ رسید و دستور زبان عشق کامل شد و او در اوج سرودن واز عشق گفتن، خاموش شد.

آثار قیصر امین پور شامل: تنفس صبح، در کوچه آفتاب، توفان در پراتنز (نثر ادبی)، منظومه ظهر روز دهم (شعر نوجوان)، مثل چشمه، مثل رود (شعر نوجوان)، بی‌بال پریدن (نثر ادبی)، نشر افق، مجموعه شعر آینه‌های ناگهان (نثر افق)، به قول پرستو (شعر نوجوان، نشر افق)، گزینہ اشعار (نشر مروارید)، مجموعه شعر گل-ها همه آفتابگردانند (نشر مروارید)، مجموعه شعر دستور زبان عشق (نشر مروارید)، شعر: **روز زشت تا نیما**

از آن هنگام که نخستین بروز احساسات بشر روی غارها و صخره‌ها نقش بست تا بتواند از طریق تصاویر حرف بزند، تا آن هنگام که صوت‌هایی بی‌ساخت و معنا، وسیله ارتباط قرار گرفت تا کلمه انشاء شود و شعر در بکرترین پس‌زمینه ذهن آدمی شکل گرفت و اشوز زشت گاتاها را با واژه‌هایی هجری ساخت تا زیبایی و شعور هستی را در سرودهایش در روح او ستا جاری کند و عنوان نخستین شاعر را به نام خودش ثبت کند، تا امروز، شعر راهی دشوار، ناهموار و پرخارا طی کرده است و از شعر سبک خراسانی، عراقی، هندی، واسوخت و تار سین شعر به نیما.

و در حالی که تسدود مدرنیته در شعر، در آستانه رسیدن به یک سده است و نزدیک به صد سال از سرودن «افسانه» نیما می‌گذرد، هزار سال سیره شعر کهن، شعر معاصر را با نام «شعر نو» به حیطة نقد می‌کشاند.

شعر امروز همواره جولانگاه آزادی، اندیشه‌های نوظهور و جنبشی نو به سوی تمدن و اندیشه و حاکمیت خرد مدرن است. شعر امروز نه تنها در فرم و ساختار، بلکه در مضمون هم کنش‌پذیری فردی و اندیشه انسان مدرن و در نتیجه افول اندیشه صوفیانه و رمانتیسم کهن است.

چند صدایی شعر مدرن در برابر تک صدایی شعر کهن خارج از هر گونه قالب استبداد گونه‌اش جولانگه اندیشه انسان معاصر در معنای فردیت، جمع را به مکاشفه می‌کشاند. شعر مدرن به همین لحظه و زمان و مکانی که از آن زاده می‌شود، می‌پردازد. بنابراین چه در فرم و ساخت و چه در مضمون و درونمایه، ضرورت مبرم امروز است.

شاعرانه‌ترین مردم دنیا

پوپ، مستشرق بزرگ آمریکایی می‌گوید: مردم ایران شاعرانه‌ترین مردم جهان هستند به شهادت هزار سال شاعرانگی.

بی‌تردید از هر ۱۰ نفر ایرانی، ۹ نفر این شاعرانگی را در سرشت خود دارند. قیصر نیز این گونه بود و در طول حیات کوتاهش از شعر و شاعرانگی جدا نبود و شعر پیوسته با او بود. این آمیزش ذاتی او با شعر تا بدینجا بود که گاه حتی حدیث نفس و اندیشه و تحلیلش نیز بوی شعر می‌داد. اما به گمانم همیشه در گیران اندیشه مداوم بود که به راستی شعر چیست؟ از پس همین پرسش بود که تجربه‌آزمایی‌هایش در شعر و در دوره‌های مختلف زندگی‌اش در قالب و مضمون و اندیشه متفاوت است و این طبیعی‌ترین روند تکامل انسانی است. توقع به‌جایی نیست که شاعری از نخستین گام‌هایش تا پایان شاعرانگی و نه زندگی، یک طرز فکر و یک طرز تلقی از پیرامونش داشته باشد. اندیشه‌ای که رها و پویا باشد، در هر دوره‌ای تحولات زندگی نمود بیرونی متفاوتی دارد و به این دلیل معتقدم که نفس شعر و شاعرانگی در چارچوب قرار نمی‌گیرد.

در شعر چیزی ذاتی و درونی وجود دارد که حتی به‌رغم فقدان وزن و قافیه، باز هم از نثر، حتی نثری ادبی و شاعرانه متمایز می‌شود. از این جهت دعوی سنت‌گرایان بانوپردازان تار سین شعر به نیما.

شعرهای قیصر محافظه‌کارانه نیستند، اما از نظر زیبایی‌شناختی، معتدل و هنوز اندکی خام هستند

شعر کرد. او قصد داشت با این شیوه به تمامی ابعاد وجود انسانی معنا دهد و با آوردن آنها به قلمرو شعر، به خصایص انسانی - یک انسان عادی - اعتبار دهد. قیصر امین پور همچنان به وزن و قافیه اعتقاد داشت و معتقد بود هر واژه‌ای می‌تواند در جای درست و دقیق خودش، با واژه‌های دیگر سطرها، رنگ و بوی شاعرانه بگیرد و به خدمت شعر درآید. قیصر امین پور هم مانند تمام شاعران در دوره‌های مختلف زندگی، متأثر از شریطی بود که در آن می‌زیست. بنابراین در اوایل دهه شاعری‌اش، متأثر از فضای پرتلاطم سال‌های اولیه انقلاب و جنگ است که در زادگاهش با گوشت و پوست و خونت لمس می‌کرد.

بنابراین به‌طور طبیعی همچون شاعران پر شمار آن دوران مضامین انقلابی و جنگ را البته نه از نوع شعار گونه‌اش وارد شعر کرد. شعرهای او محافظه‌کارانه نیستند، اما از نظر زیبایی‌شناختی، معتدل و هنوز اندکی خام هستند. آن چه گفتن آن ضرورت دارد این است که قیصر در دوره پایانی شاعری‌اش اس اساس فلسفه شعر نیمایی را در یافته بود و راه خودش را با شاخصه‌های شخصی یعنی نوع نگاه، نوع کلمات و مضامینی که دغدغه آن‌ها را داشت، پیدا کرده بود.

بنابراین بسیار معتقدم که شخصیت و شناسنامه شاعری قیصر را می‌توان در آثار او از عمر او دریافت. چرا که با تغییرات اعتقادی او، نسبت به این‌ها تعلق ذهنی و روحی بیشتری داشت. قیصر امین پور مضامین حماسی و ملی را وارد شعرش نکرد، زیرا فرادیت «من شاعر» را به جمع و «مای کلی» تبدیل می‌کرد. زبان در شعر قیصر امین پور ساده، سالم و کم‌حادثه است. اما از موتیوهای تکراری، چه قدمایی و چه نو استفاده نمی‌کند و همین مسئله سبب شخصی او را می‌سازد که بدون شک به‌طور مجزاقابل تحلیل هستند. قیصر امین پور به دلیل نوع نگاه شخصی‌اش به شعر و زندگی روزمره، این تصاویر در شعر او جای خوش کرده است. درست مانند شعر «فتران من عادی است»:

رفتار من عادی است
امانمی‌دانم چرا
این روزها،
از دوستان و آشنایان،
هر کسی مرا می‌بیند،
از دور می‌گوید: این روزها ناگوار،
حال و هوای دیگری داری،

قیصر امین پور به تعلیم در شعر قائل نبود و در واقع به‌نوعی می‌توان گفت پیرو مکتب ادبی پارتاس یا «هنر برای هنر» بود که فرانسه با ویکتور هوگو پرچمداری آن را بر عهده گرفته بود. این نوع انتقال پیام حتی در داستان‌نویسی مدرن هم رد شده است و در شعر حتی پارایک قدم جلوتر می‌گردد و بی‌ساختار، تصویر، وزن، قافیه و آهنگین بودن واژه‌ها لذت و زیبایی در لحظه و «آن» را نخستین شاخصه خودش قرار می‌دهد. داستان کوتاه و داستان بلند با پیرنگ و حوادث و در صفحاتی بیشتر لذت را انتقال می‌دهند، اما به هر حال، هر دو اینها برای ذات خود خلق می‌شوند؛ داستان برای داستان و شعر برای شعر.

قیصر امین پور به شعر این مکان و این زمان و این لحظه و زیبایی ذاتی شعر قائل بود. تمام شاعران معاصر از نیما پوشیچ، پدر شعر نو که با شعور ذاتی‌اش، الزام شعر نو را دریافت، مهدی اخوان ثالث که از پایه‌های بنیادین شعر با معماری بی‌بدیل، کاخی ساخت و در برابر مخالفت‌های سنت‌گرایان، بی‌گزند به راه خودش ادامه داد، شعر را به کمال رساند تا شاملو که با درگونی اساسی در فرم و به خدمت گرفتن آهنگ واژگان با نبوغی فستایش برانگیز، شعر سپید را پایه گذاشت و فروغ که بانگ‌های زبانه، به قول ویرجینیا وولف در برابر هزار سال نگرش مردانه در شعر کلاسیک، با ساختار شکنی و زبانی نو، معترضان عصیان کرد. قیصر به جای بردن شعر در روزمرگی، روزمرگی را با تمام واژگان و محتویاتش که حتی گاه ساده و دم‌دستی می‌نمود، وارد

قیصر امین پور دوره‌های مختلفی زندگی شخصی و هنری و کاری‌اش را با نوسان‌های زیادی طی کرد و از این روی، موجب شد تا بسیاری از منتقدان و مخاطبان جدی شعر، او را گاه به این جناح و گاه به آن جناح متصل کنند

اما، من مثل هر روزم با آن نشانی‌های ساده، با همان امضا همان نام و با همان رفتار معمولی، مثل همیشه ساکت و آرام، این روزها تنها حس می‌کنم گاهی کمی گنجیم. حس می‌کنم از روزهای پیش قدری بیشتر، این روزها را دوست دارم.

گاهی از توچه پنهان، با سنگ آواز می‌خوانم و قدر بعضی لحظه‌ها را خوب می‌دانم.

این روزها گاهی از روز و ماه و سال، از تقویم، از روزنامه، بی‌خبر هستم.

ویژگی شعر مهدی اخوان ثالث شعر روایی است؛ قصه می‌گوید و یک «من راوی» در بر شمی از یک تصویر وجود اخوان که از حماسه و عصیان اعتراضی و موتیوهای سیاسی و اجتماعی بهره می‌برد قیصر امین پور تنها به روایت زندگی در شاعرانه‌ترین شکلش می‌پردازد. بنابراین مضمون نیز در شعر او میانه‌رو است. قیصر امین پور در نثرهای ادبی‌اش به ساده‌ترین شکل ممکن حرف می‌زند، بدون حتی ذره‌ای پیچیدگی. از کتاب «بی‌بال پریدن»

«چراغ راهنما قرمز می‌شود. ترمز می‌کنیم و پشت چراغ قرمز می‌ایستیم.»

در همین لحظه چند پرند از روی سیم‌های برق بالای سرم ما برمی‌خیزند، بال‌باز از چراغ قرمز رد می‌شوند و به طرف دیگر خیابان می‌روند. چرا پرندها چراغ قرمز را رعایت نمی‌کنند؟

اما پرندها که ماشین نیستند!... مطالعه در باب ویژگی‌های شعر قیصر کتابی می‌تواند باشد که بررسی یگان یگان آن در حوصله اینجانب نیست، تنها به بخشی از یک شعر نوجوان اونیز اشاره‌ای می‌کنیم تا تمام جنبه‌های هنری قیصر امین پور را از نظر گذرانده باشیم. از مجموعه «به قول پرستو»:

«پیش از این هافکر می‌کردم خدا خانه‌ای دارد کنار ابرها مثل قصر پادشاه قصه‌ها خشتی از الماس و خشتی از طلا پایه‌های برجش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور...» اگر چه پس از مرگ قیصر بسیاری از جناح‌ها کوشیدند تا او را به نام خود بزنند، اما قیصر نه شاعر راست بود و نه شاعر چپ، قصیر شاعر درد بود. «در حرف نیست درد، نام دیگر من است»

چرا کتاب‌ها را باید دوباره خواند؟

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از artifice، پاتریشیا میر اسپاکس یکی از محققان برجسته حال حاضر آمریکا در حوزه مطالعات ادبی است. اسپاکس استاد تمام رشته ادبیات دانشگاه ویرجینیا سابقا سمت ریاست آکادمی هنر و علوم اتحادیه زبان‌های مدرن آمریکا را داشته است. او سال‌ها در حوزه ادبیات و فرهنگ مطالعه تحقیق کرده است که حاصل آن تعدادی زیادی کتاب درباره روش‌های مطالعه و فواید آن برای سلامت روح و روان است. یکی از آخرین تحقیقات پاتریشیا درباره مزایای مضرات دوباره خوانی کتاب‌هاست و دلایلی برای این قضیه ذکر کرده است که چرا دوباره کتاب‌ها توسط افراد خوانده می‌شوند.

وی درباره دلایل اینکه دوباره کتاب‌ها و داستان‌های تکراری خوانده می‌شوند به فایده‌های این امر اشاره می‌کند و اعتقاد دارد افرادی که به دفعات یک کتاب و داستان تکراری را مطالعه می‌کنند از ثبات و امنیت روحی روانی بهتری برخوردار می‌شوند. به‌طور کلی داستان‌های مورد علاقه مردم با احساسات، تجربه‌ها و خاطرات آن‌ها گره خورده است و وقتی یک کتاب دوباره خوانده می‌شود تمام آن خاطرات و احساسات خوب تکرار می‌شود و این قضیه حتی برای درمان بیماری‌های روحی روانی موثر واقع شده است. حتی بسیاری از افراد برای بیاد آوردن خاطرات کودکی خود سعی می‌کنند همان کتاب‌هایی را مطالعه کنند که والدین‌شان برای آن‌ها خوانده بودند.

یکی از دلایل آکادمیک دیگری که دوباره خوانی کتاب‌ها را توصیه می‌کند درباره مزیت‌های مربوط به یادگیری کلمات و مفاهیم صحبت می‌کند. برخی کودکان از والدین‌شان می‌خواهند تا برای آن‌ها باب‌ها و پاراها یک کتاب را بخوانند و هر بار نیز از آن کتاب لذت می‌برند این درخواست شاید در نظر والدین بسیار کسل‌کننده باشد، اما در حقیقت بچه‌ها با هر بار خواندن کتاب اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند.



کودک‌هایی که درخواست می‌کنند تا برای‌شان داستان‌ها تکراری خوانده شود نسبت به بچه‌هایی که یک کتاب را فقط یک بار می‌خوانند بیشتر از کتاب می‌آموزند و لذت می‌برند. تحقیقات اخیر دانشگاه ساکس انگلستان نشان می‌دهد که دوباره خوانی کتاب داستان به کودکان کمک می‌کند تا لغات و کلمات جدیدی را به دست بیاورند. شاید از نظر والدین این کاری بی‌ارزش باشد اما بچه‌ها مانند روز اول از آن لذت می‌برند.

جسیکا هارست روانشناس در اس‌تیم تحقیقاتی این دانشگاه آزمایشی را بر روی بچه‌هایی سه ساله انجام دادند و دو کلمه جدید را که آن‌ها هرگز نشنیده بودند به آن‌ها ارائه دادند. پس از گذشت یک هفته برای گروه اول سه داستان مختلف با همان کلمات جدید و برای گروه دوم تنها یک داستان با همان کلمات جدید گفته شد. پس از یک هفته آن‌هایی که تنها یک داستان شنیده بودند در بازگویی و خاطر آوردن و استفاده از کلمات جدید بسیار بهتر از گروهی بودند که سه داستان مختلف شنیده بودند.

دوباره خوانی یک کتاب برای کودکان نه تنها کسل‌کننده نیست بلکه به آن‌ها بیشتر می‌آموزد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کتاب‌های بیشتری که در خانه هستند اگر چه اطلاعات کودکان را بالا می‌برد اما این به‌این معنا نیست که با خواندن دوباره کتاب هیچ یادگیری اتفاق نمی‌افتد. این تحقیقات نشان می‌دهد تعداد کتاب مهم نیست بلکه دوباره خوانی هر کتاب این امکان را فراهم می‌کند تا یادگیری بیشتری اتفاق بیفتد.

کودک‌هایی که یک کتاب برای آنها چندبار خوانده می‌شود قوه ادراک بالاتری نسبت به کودکان دیگری دارند که کتاب برای آن‌ها فقط یک‌مرتب خوانده می‌شود. کتاب در نخستین مرحله فقط برای کودک نقش یک داستان دارد و دومین بار است که کودک در ذهن خود به تشریح آن می‌پردازد و در مراحل بعدی به کسب اطلاعات درباره آن کتاب می‌رسد.

